

که منصوب بخیمال اور احکومت مدینه داده بود و بعد عزل کرده در بغداد حبس نمود و اموال او را تصرف کر و چون مهنگ
 خلیفه شد او را از حبس بیرون آورد و اموال او را با و رد نمود و فانی عمر کلوزانی بزرگ زاده و بر فرار شدن محمد بن علی بن
 حدیب بجای او و کشته شدن بسیاری از زناد در حجاج پاسپن خارجی در موصل و غلبه او بر اکثر دیار ربعه جزیره بعد
 آنکه از لشکر موصل شکست خورده بود و فرستادن مهنگ حبشی را بدفع او که بعد از جنگ سختی بر او غلبه کرده او را
 بکشند **امری** یا نفض کرد در ربهای رومنه الصغری صلی را که با هر ن الرشد با دای جزیره نموده بودند و در قریه کسا
 اسلام بیلا در دم و قتل و غارت کردن (اسپانول) مخالفان ابوالاسود محمد بن یوسف بن عبدالرحمن فهري که پیش از این
 در حبس عبدالرحمن اموی بود و نغای نموده (خود را بدروع کور فلم داده) و از حبس کر پنجه با عبدالرحمن و مقاتله او با
 عبدالرحمن و شکست خوردن او که سال بعد نیز پنجه مقاتله با عبدالرحمن نمود و باز منهر شد و در سال صد و
 هفتاد هلاک گشت و بعد از او برادرش قاسم نیز با عبدالرحمن کشته شد **افریقا** وفات ابوالقاسم بن واسو لیسر کر
 خوارج صفری در سجلاسه که دوازده سال و یکماه امارت کرده بود و پس از او پسرش اباس امارت یافت

۷۸۵ **سده هجری**

سده

اینا وفات مهنگ محمد بن عبدالله المنصور بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس در مابندان در بیست و دویم محرم در چهل
 و سه الکی کرده سال و یکماه خلافت کرده بود و بیعت کردن هر ن برای موسی هادی که در جرجان و مشغول محاربه بود
 و آمدن موسی هادی بجایاری از جرجان بغداد و وزیر نمودن ربیع راطه و حسین بن علی بن الحسن بن علی
 بن ابیطالب علیه السلام در مدینه که جماعتی از اهل بیت او بودند از جمله حسن بن محمد بن حسن بن حسین بن علی بن ابیطالب و عبد
 بن اسحق بن ابراهیم بن الحسن بن علی بن ابیطالب و عبدالله مذکور و غیره عانکه بود و در میان حسین و
 عبدالغز بن عبدالله بن عبدالله بن عمر بن خطاب که عامل موسی هادی بود در مدینه جنگ در گرفت و عمر منهر شد
 با حسین بجنگ کردند و حسین با اصحاب خود پازده روز در مدینه ماند و نهمه بدند و روز بیست و چهارم بقعه
 از مدینه بیرون شده بمکه آمده و جماعتی از عسکه بمکه بملا زمان حسین ملحق شدند و جمعی از بنی عباس و دشمنان آنها
 در این سال حج و زیارت مکه آمده از جمله سلیمان بن ابی جعفر منصور و محمد بن سلیمان بن علی و عباس بن محمد بن علی بودند
 بنا بر این بسیاری از دشمنان آل عباس شکر باز ایشان بمشارالهم پوشند در روز شریع با حسین جنگ کردند و
 اصحاب حسین منهر شده حسین کشته شد و سر او را بر بدند و زیاده از صد سر نیز از هراهان او بر نه موسی ها
 آوردند ولی موسی انان عمل در غضب شد و جایزه بماملین روس نداد محل مقاتله حسین با آل عباس در مکانی بود
 که آن را وح می گفتند و آن از مکه و در جهنم طایف واقع است از هراهان حسین در پس بن عبدالله بن حسن بن
 حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام مصر کر چخت و از مصر بطیحه آمد و درین بلاد بود تا رشید شامخ نامی را بدین جا
 فرستاده او را زهر خوراند و هلاک کرد پس از وفات در پس و حتر او که آئینش بود زائیده پسر او بود که
 موسی یاد در پس شد و نشو و نما کرد چون کبر شد در این بلاد استقلال بمبرسانند عزل کردن هادی هاشم بن
 سعید بن خالد را از حکومت موصل بجهت سه سال او و نصب عبدالملک بن صالح هاشمی بجای او و وفات
 مطیع بن اباس شاعر و نافع بن عبدالرحمن بن نافع المظفری که یکی از فراء سبعة و امام اهل مدینه بود در قرئت و
 نافع بن نافع است که از موالی عبدالله بن عمر است بوده و وفات ربیع بن یونس که حاجب منصور و نوالی او بود
امری یا نفض (بصغری) جنگ معیوفه بجای بار و مهابا

سده هجری

سده هجری ۷۱۶

اسیاء و فاطمه موسی هادی بن محمد المهدی بن عبد الله النصور در شب ربيع الاول در بیست و شش سالگی و مدینه خلافتش یکسال و سه ماه بود خلافت هرون الرشید بیست و پنج مردم با او در همان روز یکدیگر موسی هادی و فاطمه هرون در بیست و شش سالگی و فاطمه و مادر او موسی هادی خیزران ام ولد بود و هرون در آن منو شد و تولد امین محمد رشید از زبیده و زارت عیسی بن خالد و نفوس کردن هرون کلبه امورا با او دادن هرون مهر خود را بعیسی امر کردن هرون بنای طرسوس بمشتری فرج خادم ترک و نزول مردم در آن عزل کردن رشید عمر بن عبد الغزیز عری از مدینه و نصب اسحق بن سلیمان بن علی بن عبد الله بن عباس بجای او امر و پایا (اسپانول) بنای مسجد جامع شهر قرطبه (کردن) بلع عبد الرحمن اموی پادشاه اسپانیا که صد هزار دینار در این بنا خرج نمود کوفتد این مسجد در محلی نباشد که پیش کلبه سابقه اولین ضرب سکه سلاطین مسلمان در اسپانول زدند در این سال بود بوزن و عیار یکدیگر خلفای امیه در دمشق معول داشته بودند (رومیة الصغری) جنک سلیمان بن عبد الله البکائی بار و میها و بر خیز بر این اند که هرون خود در این سال بار و میها جنک کفر افریقا و فاطمه زید بن حاتم مهلبی والی افریقا که داوید پسر او بجای او بود تا هرون غیبین والی کرد

سده هجری ۷۱۷

سده هجری

اسیاء دادن هرون ولایت خراسان را بجعفر بن محمد بن اشعث و فرستادن او پسر خود عباس را بکابل و فرج کردن عباس کابل را بفرج کردن او سانها را و در یافت غنایم کثیره کشتن رشید ابی هریره محمد بن فرج که حال که جزین بود و هرون او را از جزیره بغداد طلبیده هلاک نمود دادن هرون ولایت افریقا را بروح بن حاتم برادر بن زید بن حاتم مهلبی امر و پایا (اسپانول) و فاطمه عبد الرحمن اموی پادشاه اسپانول در قرطبه (کردن) و او معروف بعبد الرحمن داخل بود زیرا که داخل بلاد مغرب شده تولد او در دمشق در سال صد و سی و سه و مدینه حکم کنه او در اندلس و سی سال بود و بعد از او پسر سیم گرانندس پادشاهی یافت (فرانک) شارلین پادشاه فرانک بعد از مرگ او از دم چند نفر از علمای خود مردمان محاسب بملکت فرانک آورد که بتعلیم این دو علم بیرون آزند

سده هجری ۷۱۸

سده هجری

اسیاء عزل کردن رشید اسحق بن محمد را از موصل و نصب سعد بن سلم باهلی بجای او عزل زید بن فرید بن زاید برادر زاده معن بن زبیده از ارمینیه و نصب عبد الله بن مهگر برادر هرون بجای او امر و پایا (اسپانول) فرج سلیمان و عبد الله پسران عبد الرحمن برادر خود هشام و معارضه میان برادرها که در هر حال هشام غالب بود (فرانک) الحاق مملکت باو بر پسران مالک شارلین

سده هجری ۷۱۹

سده هجری

اسیاء مردن خیزران مادر هرون الرشید کردن هرون الرشید که از بغداد عمره شد و فاطمه محمد بن سلیمان بن علی در بصره و نصر تن کردن رشید اموال او را که زیاد بود کوفتن رشید مهر خود را از جعفر بن محمد بن خالد دادن بفضل بن ربيع اصیاء و رشید جعفر بن محمد بن اشعث از خراسان و والی کردن عباس بن جعفر لیسرا و رادرنه ولایت فاطمه سلام بن ابی مطیع و جوین بن اسام بن عبد البصر و مران بن معاویه بن حرث بن اسما القزازی ابو عبد الله امر و پایا (اسپانول) چون بعد از فوت عبد الرحمن اموی میان هشام که جانشین او بود و برادر او مخالفت در گرفت و اختلال در امر سلطنت انجام

رسید شاهن پادشاه فرانک بافتوز با دبا سپانول آمد و فتنه عمده از آن ملک را منقرض شد

سده هجری

سده سی و نهم

اسیما دادن رشید حکومت مند و مکران را با سعید سلیمان ملا کشیدن روح بن حاتم رقیب رشید بجوی و ترو
نمون بقردی بازه بدی از اعمال جزیره ابن عمرو بنا کردن قصری در آن عمدا علی بن سهر از فضای موصل و نصیب
ز یاد دولا بجای و امرو پا جنک عبدالملک بن صالح بار و مپهای و مپنه الصفری

سده هجری

سده سی و نهم

اسیما و بعد کردن رشید پسر خود محمد بن زبید را و ملقب نمودن او را با مین و امین در بنو فتنه بجای بو عزرا بن
جعفر از اسان و نصیب خالد الفطریف بن عطار و فتنه بجای بنی عبدالله بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام و منزل
نمون با جلا خروج حسین خارجی در خوانش که در سال صد و هفتاد و هفتاد بنی سنا کر خلیفه مقرر شد و فتنه محمد
اسحق بن ابراهیم ابو العباس الشاعر و لادن در پس از در پس زید بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب و ما اجمالی از حال
در پس زید عبدالله را پیش ذکر نمودیم امرو پا (اسپانول) فراغت هشام از کارد و برادر خود سلیمان و عبدالله با خوا
و جلا دادن آنها از اسپانول جنک عبسویان اسپانول با مسلمانان این مملکت و کشته شدن شخصه از نزار و فتنه
اسلام حلیس کردن هشام پسر خود عبدالملک که سوطی در خوا و حاصل نموده بود و عبدالملک در مجلس ماندند که
(رو مپنه الصفری) جنک عبدالرحمن بن عبدالملک بن صالح بار و مپها و بعضی گفته اند که خود عبدالملک بن صالح مباشر این
جنک بود بهر حال سرهای سخنی بقشون اسلام زیاد صد و وارد آورد

سده هجری

سده سی و نهم

اسیما بجای بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در میان دپلم شو کوفی هم رسانیده رشید اشکری جواد افضل
بجی بدفع او مامور کرد و فضل نام را بنو شنه و را امان داد بهر چه اختیار کند بجوی و جواب نوشتا که رشید فتنه بخود
که آسپه بن زساند و فتنه خود بنو سید جمع از اکابر هم شهادت خود را در آن و در بنو سید من مکن خواهم بنو سید کرد
و بجی ببنداد آند آنداء هرون با انرام نمود بعد او را کشته جس کرد و مجوس بودند در گذشتن قوع فتنه فها بنی طاب
مضرت و بمپنه در دمشق که دو سال با هم مقاله کردند و بهین جهت رشید عبدالقصد بن علی حاکم در مشوراعز لبوا ترا
بن صالح را بجای او نصب کرد و فتنه فرج بن فضاله و صالح بن بشر فارسی که در حدیث چندان ربطی نداشتن فتنه بن
سپه و خوی کوفی عزل کردن رشید موسی بن سعید را از مصر و اگردن امر این مملکت را بجعفر بن بجی که بعضی
عمر بن مهران را و الی مصر کرد و او او این مملکت اصلاح کرده بعد از مرگش حکومت حاکم بن سلیمان در موصل
فضل خارجی در نوای نصیبین و کشته شدن او و اصحابش امرو پا (اسپانول) هشام پادشاه اسپانول
حکم پسر خود را حاکم طلبیده که حکم بدینو این آمد در ایضا پسر عبدالرحمن بن حکم موالد شد و در کعبه عبدالرحمن بعدا

سده هجری

سده سی و نهم

اسیما مخالفان عطان بن سفی این از دی از جنک بیان مؤمنان رشید که دو سال بدینمواال میگذشتند رشید
آمد و قلعه موصل را خراب کرد عزرا کردن رشید جعفر بن بجی را از مصر و نصیب بجی بن سلیمان بجای او عزرا بن مالک
از خراسان که اینو لایق بن رشید مزید با رعایا فضل بن بجی بر مکی کرد و فتنه ابو عبدالله شریک بن عبدالله بن ابی
شریک که در ایام مهد فضاوت داشت مرد عالی ادل کثیر الصواب حاضر جوانی بود و ارتحال او در کوفه اتفاق افتاد

امروپا (اسپانول) یکی از سردارهای هشام بن عبدالرحمن با فتنه مستعدا کار کا سون شهر فرانک ناخت و قنبر
زیادی بدش آورده مراجعت کرد (روینه الصغری) جنک عبدالرزاق بن عبدالحمید ثعلبی بارومپا افریقا در این سال فضل
روح بن حاتم از جانب رشید ولایت یافته در سال بعد بدست اصحاب عبدالله بن جبار و معروف بن عبید و به الانباری کشته شد
هرگز بن این بعد از او از جانب رشید ولایت یافته با فتنه بعد از آنکه دو سال و نیم در این ولایت حکم از داشت استعفا
کرد و بعراق آمد

سده هجری

سده هجری

اسیاء خروج ولید بن طریف خارجی ثعلبی در جزیره و ناخن بایراهم بن خازم بن خزیمه در نصیبین و زیاد شدن شوکت او
و داخل شدن بار منبیه و محاصره کردن چند روز خلاط را و آمدن با ندر با بجان و از آنجا جلوان و ارض سواد و عبور کردن بطرف
غرب و دجله و فرستادن رشید بزید بن مزید بن زائدة الشیبی که سیر برادر معز بن زائدة بود جنگ ولید و غلبه کردن او بر ولید
و کشته شدن ولید بسیار از اصحاب او نفوذ کردن رشید کلبه امود و ولت خود را بچی بن خالد بر مکه رساندن فضل
خراشا و جنگ کردن در ماوراء النهر و ساختن رباطات و مساجد خراسان امروپا (اسپانول) جنگ کردن عساکر هشام
باطلوان فرانک شورش بر پیشگاه سنانا ناکر ناد را در اندلس فرستادن هشام لشکری جرار سیر داری عبدالقادر بن ابان بن علی
از موالی معاویه بن ابی سفیان بنده بر آنها که عبدالقادر بسیار را بکشتن بقیه السیف فرار کردند و در سنانا ناکر ناکر و هشام
آن هفت سال حالی از سکنه بوز (روینه الصغری) جنگ معاویه بن زفر بن عامر بارومپا افریقا شویک طایفه حویفه
در مصر بر عامل خودشان اسحق بن سلیمان و فرستادن رشید هرگز بن اعین را بکک اسحق که آنها را مطیع کرد و رشید اسحق
از مصر عزول کرده هرگز بکامی در این مملکت حکمرانی نمود بعد عبدالملک بن صالح والی مصر شد

سده هجری

سده هجری

اسیاء مراجعت فضل بن یحیی از خراسان و دادن رشید حکمرانی این ولایت را بمنصوب بن مزید بن منصور چه حال مکه خروج
هرزه بن ابرک سجستان در خراسان و قات مالک بن اسد بن مالک بن ابی عامر بن عمر بن حارث از اولاد ذی الاصل که با این جهن
اورا اصحی می کنند و اسم او حارث بن عوف و استاد شافعی بود و مالک در مدینه قات کرده در بقیع مدفون شد و
مسلم بن خالد زنجی فقیه مکی مسلم چون سفید ما بل سرخ بود او را زنجی می کنند و قات سید اسمعیل همی شاه
معروف که شیعی بواقمروپا (زم) فوت آدرین اول پاپ بر فرار شدن لئون سیم همی او (اسپانول) جنگ
عساکر هشام با طلوان فرانک

سده هجری

سده هجری

اسیاء عزل کردن رشید منصور بن مزید را از خراسان و نصب کردن علی بن علی بن ماهان را بجای او که ولایت او
سال طول و بسیار از خوارج را بکشت و هرزه بن ابرک سجستان را مفه و میان ابناء هرزه و عساکر علی بن علی جنگها
بسیار اتفاق افتاد کوفتن رشید مهر خود را از جعفر بن یحیی و دادن بخود یحیی عزل کردن رشید هرگز بن اعین را از آن
خروج طایفه حویفه بجزان عزل فضل بن یحیی از طبرستان و روان و نصب عبدالله بن خازم بجای او که ولایت سعید بن مسلم
در جزیره حکومت یحیی سعید هر چه در موصلا که با مردم بد رفتاری کرده و مطالبه مالیات سنوا کند
مردم با این جهن جلائی وطن نمودند امر کردن رشید با ختن شهر عین زبیر و طغرآن و ساکن کردن جامع آن
خراسان داد آن (عین زبیر سرحد پیش نزدیک مصب) امروپا (روینه الصغری) جنگ محمد بن مع

ذفر بن عامر بار و مپها (اسپانول) اتمام مسجد جامع فرطبه (کردو) فوت هشام پادشاه اسپانول در ماه صفر که
نفری با هفت سال و هفت ماه سلطنت کرده و سی و نه سال داشت کینتش ابوالولید و مادر شرام ولد و در سپرث
بهر بن عبد الغزیز شبیه بود سلطنت حکم بن هشام که ملقب بمبصر بود بجای پدرش و در زمان حکم دو عم او سلیمان و
عبدالله بر او خروج کرده جنگها کردند و سلیمان را حکم گرفتند کشتن عبدالله آخر الامر از در صلح درآمد و فتنه
بنشست مجبور نمودن حکم و عمال او اهالی اسپانول را بجهت کذب بان عرب (فرانک) بنای معبد در شهر اکلا شایل حکم
شارلین و ساختن غارتی برای خود در همین شهر

۷۹۷ هجری

۱۱ هجری

اسیا غلبه طایفه محمدر در خراسان و قات عبدالله بن مبارک خنجر مروزی و قات مروان بن ابی حفصه شاعر و قات ابویوسف
فاضل که اسم نجف و بن ابراهیم و اکبر اصحاب ابی حفصه بود و قات علی بن حمزه ابو الحسن از دی العرف و کسائی المفری القوی و قات
و بعضی فوت کسائی را در سال صد و هشتاد و سه نوشته اند **امروپا** (فسطاطین) ابن مادر پادشاه که بنای
سلطنت داشت چشم پیر خود را که پادشاه خنجر بود میل کشید بعد او را بقتل رسانید (رومیه الصغری) جنگ
الرشید بار و مپها و گرفتن قلعه صفصاف جنگ عبدالملک بن صالح در خاک روم که با نفره رسید و مطبوره را فتح کرد (اسیا)
چون در این سال حکم بن هشام پادشاه اسپانول چنانکه پیشتر اشاره نمودیم با اعمام خود مشغول بجمله بود طایفه فرانک
موقع و فرصت بدست آورده نا شمال سرگوس را خند **افریقا** دادن هر دن الرشید و لا پنا فرقیتر را بمجد بن مقاتل
بن حکیم العلی که رضيع رشید بود

۷۹۸ هجری

۱۲ هجری

اسیا در این سال هر دن الرشید فرار داد که بعد از امین عبدالله مأمون و تبعهد باشد و او را بر خراسان و بلاد دیگر
متصل بانول پناست ناهدان والی نمود و مأمون لقب داد و جعفر بن یحیی را پیشکار او کرد و قات جعفر الطیالسی محمد بن یحیی
پادشاه خزر برای جنگ با مسلمان **امروپا** (رومیه الصغری) جنگ عبدالرحمن بن عبدالملک بن صالح بار و مپها و رسید
او به افسوس شهر اصحاب کعبه (اسپانول) آمدن سبیل عظیم در فرطبه (کردو) و خراب کردن دیوار از خانه ها
و اما کن را

۷۹۹ هجری

۱۳ هجری

اسیا استیلاء خزر بر بلاد کجند و شبروان و غیرها و اسپر کردن صد هزار نفر از اهالی این بلاد از مسلمان و غیره
و دادن رشید و لا پنا رمنیتی با ضافه آذر با بجان بزدن مرند که او و خنجر بن خاتم بن نواحی آمده بدفع این
فتا پر داخند و حصا بابا ابوبابا محکم کردند و خزر را بیرون نمودند و حال حضرت امام همام موسی بن جعفر اکاظم
علیه السلام در حبس مروان که عمر مبارکش پنجاه و چهار سال بود و داستان سپردن مروان آنحضرت را بسندی بز شاهک و
حبس آن بزرگوار و صوموشدن آن امام عظلوم با مروان مشهور است و قات موسی بن علی بن موسی بن محمد بن علی بن
عبدالله بن عباس و قات محمد بن صبیح ابوالعباس المذکر معروف بابن سمالک و اعظ و قات یونس بن جیب نخوی مشهور که زیاد
از صد سال عمر داشت **امروپا** (فرانک) مجادله عساکر شارلین با اعراب که جزایر با ندر آروا قه در دریای مکه را متصرف بودند

۱۰۰ هجری

۱۴ هجری

اسیا دادن مروان و لا پنا بن و مکه را بمجد بر بر و لا پنا سند را بداد و بن بزدن مرند بن حاتم اللهبلی و لا پنا حیل را

جدید قسطنطین را رادای فرج بخلیفه هرون ابا وانکار کرده لهذا خلیفه بالشکر جراری سمینا طولی حرکت کرده و ظاهر
شهر هراکله (هرظه) را معسکر ساخت از این تاریخ تا سه سال تا بر جنگ پانته هرون و نسفر اشتغال داشت (اسپانیول)
کرتن طایفه فرانک شهر نطبله را و اشرواد و استخلامه و س بن یوسف که از جانب حکم حاکم تغور بود این بلد را از

فرانکها

سده ۱۸ هجری

۱۰۳ مسیحی

اسیما حج رشید که بزم بعضی این آخرین حج او بود و قات عباس بن احنف شاعر بقول امر و پیا (اسپانیول) و قات
شهبذ بن علی که با عبدالرحمن معاویه با این مملکت آمده بود در اندلس در نود و سه سالگی

۱۰۴ مسیحی

سده ۱۹ هجری

اسیما آمدن رشید بری از خوف طغیان والی خراسان علی بن عیسی بن ماهان که چهار ماه در این بلاد اقامت کرد و
والی مشارالیه از خراسان بری آمده هداوی و افزه بر رشید و همراهان او را و خلاف مضمون رشید ظاهر شده بغداد جزا
نمود و جسد جعفر را که مصلوب بود بسوزانید و در بغداد اقامت نکرده بر قریه رفت و قات محمد بن الحسن الشیبانی فقیه صاحب
ابو حنیفه صاحب کتاب جامع کبیر و جامع صغیر در فقه ابو حنیفه امان دادن و رشید بجز ان طبرستان و دیلم و اطاعت آنها اراده
دادن و رشید حکومت طبرستان و دیلم و ماوند و قومس و همدان را بعبدالله بن مالک افریقا ظهور اغتشاش و

قتل در طبرستان

سده ۱۹ هجری

۱۰۵ مسیحی

اسیما عزل کردن رشید رافع بن لبت بن نصر بن سبار را از حکومت ماوراء النهر که پس از مغزول شدن بجا افتاد
خاست خروج سپهبد بیکر خارجی که از ناحیه عبدالغفور خروج کرد و کشته شدن او بدست عساکر رشید اسلام فضل بن
سهل مجوسی بدست هارون و فضل شیعه مذمت در او بود که بجا مون گفت حضرت رضا علیه السلام را و بعهد نماید و قات
اسد بن عمر بن عامر الکوفی و صاحب ابو حنیفه و قات مجوی بن خالد بر مکی که در قریه رحبس رشید بود و همداد سال عمر
داشت امر و پیا (رومیه الصغری) فتح کردن رشید شهر هراکله (هرظه) را در ماه شوال و فرستادن داود بن عیسی بن
موسی را بر سر سایر بلاد این مملکت افریقا ابتدای سلطنت مستقله آل ادریس در مغرب که شهر فز (فاس) را پای تخت خود
فرار دادند و آن هرون حکومت مصر و سواحل شام را بجمید بن معوی که او تا قبرس رانده قتل و هدم و غارت زیاد نمود

سده ۱۹ هجری

۱۰۶ مسیحی

اسیما عزل کردن رشید علی بن عیسی بن ماهان را از ولایت خراسان و نصب هارون بن عیسی بن بجای او امر کردن رشید
بهدم کلینا هائیکه در سمرقند بود امر و پیا (قسطنطین) بعد از سه سال جنگ نسفر (نفقور) قبو بیعت
خلیفه هرون ننوده و از ساختن قلعه و مستحکامات در سمینا طولی ممنوع شد (فرانک) شارلین پادشاه فرانک
در شهر نیون و پل مملکت و سعه خود را بر سر خود شارل و پین و لوی تقسیم کرد (اسپانیول) کشته شدن
بسناری از اعظم اهل طبله با اشاره حکم پادشاه اسپانیول بواسطه تفرقه آنها میا شرب عبدالرحمن بن حکم و عمرو
بن یوسف که حکم او را و والی این ولایت ننوده بود و چون مقتولین در سرای حکومتی در حفره بغزل بسپند این
واقعیه بوقعه حفره معرفت شد (ایتالیان) پادشاه ایتالیا جزیره کرتن را از نظر قناری خارج ننوده خود متصرف
و مالک شد

سده ۹۲ هجری

سده ۱۰۷ مسیحی

اسیا غریب رشید از زفره سفر خراسان را که بغداد آمده امین را جانشین خود نمود در پیغم شعیان بطرف نهر واران بلند
و مقصود از این سفر جنگ باراض بن لیش بود و از آنجا که نفاختد مرض بر طبیعت رشید اسبلا داشت فضل بن سهل مامور را
عزمت شد که از هرون مسئلت نموده التزام رکاب او را داشته باشد و پس از الحاح هرون قبول کرد شورش فرموده را از آنجا
که رشید عبدالله بن مالک را باده هزار نفر بدفع آنها فرستاده جمع کثیری از این جماعت را بکشتن دادن رشید حکومت نمود
و امیر ثابت بن نصر بن مالک که او مطوره را فتح کرد و قات علی بن جعفر بن منصور در سکره محاصره کردن هر شهر بن امین را فتح
لش در سفر خروج خمره خارجی در خراسان و اطاعت حال هرات و سجستان و غیره یا و که عبدالرحمن بن شاپور بدفع او
برخاسته و او را در سال بعد هرات تعاقب نمود و بسپار از اصحاب او را بکشتن و قات بهلول بخون

سده ۱۹۳ هجری

سده ۱۰۸ مسیحی

اسیا مردن فضل بن محمد بن خالد بن برمک در حبس رشید در زفره در ماه محرم در سن چهل و پنج سالگی و محاسن فضل غیر
مخصوص است و وفات او پنجاه قبل از وفات رشید اتفاق افتاد جنگ هر شهر بن امین و الی خراسان با عساکر رافع بن لیش که هر شهر
غالب بود و بخارا را فتح نموده بشیر و ادر را فتح و دستگیر کرد و نزد رشید فرستاد و قات رشید در ستم جادی الاخره در
طوس در چهل و هفت سالگی و مدفون شدن او در خانه که منزل داشت در این وقت هارون با مرد رشید در مر بود و
فضل بن ربیع و اسمعیل بن صبیح و روح بن از ملازمان رشید بر سر پالین او حضور داشتند عتقت خلافت رشید
سیزده سال و دو ماه و هجده روز بود خلافت امین بن رشید ششمین خلیفه عباسی ابتدای اخلاقیانه امین و مامون آمدن
زیاده مادر امین از زفره بغداد و ملاقات کردن امین با او در اربار در حالیکه جمیع بزرگان بغداد با او بودند عزل کردن امین
برادر خود قاسم مؤمن را از جزیره و برقرار داشتن او را بر حکومت فسیه و عواصم (شور) و دادن حکومت جزیره را بخنیز بن
خازم

سده ۱۹۴ هجری

سده ۱۰۹ مسیحی

اسیا مخالفت اهل حمص با حاکم خود اسحق بن سلیمان و عزل کردن امین او را و نصب نمودن عبدالله بن سعید الحریری بجای او
که با اهل حمص جنگ کرد تا امان طلبیدند کشته شدن شعیق بنی زاهد معروف بنصوفه در غزوه کولان از بلاد افریقا
مخالفت اهل بوسره و بصره و ابراهیم بن اغلب و غلبه ابراهیم بر آنها

سده ۱۹۵ هجری

سده ۱۱۰ مسیحی

اسیا انداختن امین اسم مامون را از خطبه و خطبه خواندن با اسم پسر خود موسی بن امین که طفلی صغیر بود و ملتفت کردن
او را با طواغیت و بجزئی لشکر نمودن برای جنگ مامون که در خراسان بود و دادن سرداری این لشکر را بعلی بن عیسی بن
روانه شدن این لشکر بطرف ری و در این وقت طاهر بن حسین از جانب مامون با عساکر قلیله در ری بود چون علی بن عیسی
بری رسید طاهر از بیعت امین در گذشت مامون را بخلاف قبول نمود و با عساکر امین بقتال پرداخت جنگ سختی کردند عساکر
امین مغرور و علی بن عیسی کشته شد و طاهر سر او را با جزیه برای مامون بخراسان فرستاد و چون در این جنگ طاهر بکفر
از اصحاب علی بن عیسی را که معروف بجام طائی بود با شمشیر که در دست گرفته بجاک انداخت معروف بن ابی یونس شد
استلا و طاهر در اعمال جبال و وفات بونواس حسن بن هانی شاعر و کادنا امام محمد تقی علیه السلام خروج علی بن عبدالله بن خانی
بنزید بن معویه معروف بنیسانی که مادر او نفیسه دختر عبدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام بود امر و پایا

(اسپانول) حکم پادشاه اسپانول بعد از غلبه شهر ساراگوسا پادشاه فرانک انعقاد عهد صلح نمود

سده هجری

سده صبی

اسپانول فرستادن امین لشکر بمرامی احمد بن مرشد و عبدالله بن حمید بن خطیب بجنک طاهر که با هر یک از این دو هزار سوار بود و چون بجای رسیدند همان آنها اختلاف پیدا شده بدون اینکه با طاهر ملاقات و جنگ کنند بکنند و طاهر جلوان آمده و هرگز با فستون از جانب مامون با و پیوسته مامون با طاهر نوشته بود که بلا دی را که مستخرج و تسلیم مقرر کند و خود متوجه هوا شود طاهر بوجیه این گفته بطرفنا هوا از راند و هر شهر در حلوان ماند امر کردن مامون که او را امیر المؤمنین خطاب کنند و خطیب با اسم او خوانند آدن مامون حکومت بلاد چند با فضل بن سهل که حد فطر و حکومت او از مشرق تا از کوه همدان بود تا نابت طولاً و از دریای عمان بود تا دریای دیم و جرجان و او را ^{عضواً} مذهب بدو الریاستین نمود که ریاست سپه و علم باشد آدن مامون و زارن مالیه را بحسن بن سهل استیلاء طاهر بر او و واسط و مداین و تریک و بصصره فات عبدالله الملک بن صالح بن علی که در حلین شہد بود و امین او را از حلین بر آورده حکومت شام و حیره را با و داد و او بر فر آمده در ایجاد رکنش خلع کردن حسین بن علی بن عیسی بن ماهان امین از خلافت در شب یازدهم رجب گرفتن بعین برای مامون که چند روز بعد باز مردم امین را بخلافت برداشتند و حسین در این غمگسسته شد خلع کردن داود بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی حاکم فکه و مدینه امین را از خلافت گرفتن بعین از اهدا بند و بلد برای مامون ^{افرنهیا} مخالفین طرابلس غریب ابراهیم بن غلبه ابراهیم بر آنها و دادن ابراهیم حکومت این ولایت را بپسر خود عبدالله و مادامیکه ابراهیم زنده بود جنگ در میان عساکر او و اهل طرابلس بر سر کار بود بعد از فوت او شهر طرابلس در با عبدالله بن ابراهیم راشد و خارج از شهر و در با بر عبد بن عبدالرحمن بن رستم رئیس بر بر مقرر آمد

سده هجری

سده صبی

اسپان محاصره کردن طاهر و هر شهر بغداد را و محصور داشتن امین را و وقوع غارت و حرق در بغداد و مانع شدن طاهر دخول ماکولان و ارزاق را ببغداد و ظهور غلامان در این شهر و شدت حال و سکی و همین طور بغداد در بند محاصره بود تا سال بزر رسید رقتن مؤمن بر شہد و منصور بن مهدی بخراسان نزد مامون و فرستادن مامون مؤمن را بخرجان امیر پایا (ایتالیای) پین پسر شارلین پادشاه ایتالیا و فات نموده بر تارک دپسرا و بجای او بر تارک می کرد

سده هجری

سده صبی

اسپان استیلاء طاهر بر بغداد بعد از قتال شدید و داخل شدن در این شهر و جازدن که هر کس در خانه خود امین است و مختصن شدن امین را و داد او در مدینه منصوب و محاصره کردن طاهر او را در این بلد و چون امین بدین روی بدین ظاهر گرفتار میشد و بهلاکت میرسد از هر شهر امان خواست کار شط آمده در قاپو هر شهر داخل شد هر شهر او را در بر گرفته مت و پای او را بوسید و قصد حراست و حفظ او را داشت و ای صاحب طاهر در قاپو گرفتار غرق نمودند ملاح قاپو هر شهر را از آب بیرون آورد و کسان طاهر امین را گرفتند و طاهر او را حبس نمود و نصف شی چند نمرعیم فرستاده او را بکشند و سه اهدا نزد طاهر آوردند و طاهر آن سر را بر یک از برجهای بغداد نصب کرد مردم او را دیدند بعد طاهر سر را با خبر فتح برای مامون فرستاد و قتل امین در بیست و چهارم محرم اتفاق افتاد

خلافتش نهمین سال و هشت ماه و عمرش بیست و هشت سال بود زیاد بشر بخبر و استیفا لثان ولع داشت پس از کشته شدن امین تمام مملکت برای مامون مصطفی شد و حسن زینب سهل برادر فضل را و ابوالجمال و عراف و فارس و اهواز و حجاز و یمن نمود بر خاستن فضل بن شیبث العقیلی از هواخواها امین بجای مامون و این نصر در کسب و در ناحیه شمالی حلب ساکن بود **اروپا** (اسپانول) شور شاهالی بعضی محلات و در باض فرطیه بر حکم پادشاه اسپانیا بجبهه اکتار او و ملازمان او در شرب ملامی و غلبه حکم بر شورشپان و کشتن بسیار از آنها را

سده هجری ۹۹

سده هجری ۱۱۴

اسیاط ظهور ابن طباطبای العلوی محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام در کوفه که مردم را دعوت بجزایر رضای سلام الله علیه می نمود و سر کرده منابع ابن طباطبای ابوالسرای السری بن منصور بن و اهل کوفه با او بیعت کردند و حسن بن سهل زینب بن مسیب ضبئی با ده هزار نفر بچیک ابن طباطبای فرستاد ابن طباطبای آنها را منظم کرد ولی در شیبث لرجب ابوالسرای بعضی آنکه خود را با ست و امین دادی داشتند با شد ابن طباطبای را مسو و هلاک کرد و پسر موسی با بن زید را که از اولاد حضرت علی بن ابیطالب بود بر حسب ظاهر بجای ابن طباطبای داشت و با آنم جنک میکرد چنانکه بر بصره و واسط غلبه نمود و میان او و عساکر مامون زد و خورد ها شد فانت حسن بن مصعب بن زینب پدر طاهر بن و الیمین بنجراسان که مامون بنصره فرستاد و فانت عبدالله بن بنر همدانی کوفی مکتبی ابو هاشم پدر محمد بن عبدالله بنر شیخ بخاری **اروپا** (فرانک) فونت شارلمن در شهر اکسلا شاپل در بیست و هشتم ماه ژانویه و جلوس لوی پیریز لشارلمن بجای او و تصرف نمودن تمام ممالک پدر او ایطالیا

سده هجری

سده هجری ۱۱۵

اسیا که چین ابوالسرای از کوفه با هشتصد سوار پس از آنکه هر شهر او را درین شهر محصور داشت و در هر شهر کوفه و این نمودن اهالی را و رفتن ابوالسرای بجلولا و منفرق شدن اتباع او و کشتن حاد کند غوث ابوالسرای و معدود که کشتن او مانده بودند و فرستادن نزد حسن زینب سهل که در نهر وان بود و کشتن حسن او را و فرستادن سر او را برای مامون ظهور ابراهیم بن موسی بن علی بن جعفر بن محمد العلوی رفتن بهمین و در بنوقت اسحق بن موسی بن علی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس از جانب مامون حاکم بن بود و از ابراهیم علوی منظم شده ابراهیم برین مشغول شد و ابراهیم با جبهه آنکه مردم را زیاد میکشند و نهیب میکرد جزا میکشند رفتن هر شهر مردم نزد مامون و کشتن و حبس کردن و کشتن او را در حبس و اظهار نمودن که او در حبس بود و اینجمله بسبب حسن زینب سهل شد امر کردن مامون با اینکه اولاد عباس را شماره کنند و از این شماره معلوم شد که عدد آنها نهمین سالی و سه هزار نفر است جداگانه و نسله و فانت معروف فانت معروف صاحب الکرامات و پدر معروف نصرانی بود **اروپا** (اسپانیا) فرستادن حکم پادشاه اسپانول لشکری بسرداری عبدالکریم بن مغیب بر سر بلاد پیکه از آنکس تصرف فرمایند و مقابله شد بدین الجابین

سده هجری

سده هجری

اسیا غلبه اجاره و او باش بغداد که برهنه و دست رازی بنسوان و اطفال مردم و انواع صنوق و خور مشغول بود و دهانت را غارت میکردند و آخر الامراهل بعضی از محلات بغداد با شخصی که موسی بن خالد بن الدیوس بن بود منقول شده بدفع اشارت پر داخند و بعد از خالد یکی از اهل خراسان که او را سهل بن سلامه انصاری میکشند مصمم طرد فستاق شده مصحفی بگردن او پنجه امعروف و ونی از منکر میکرد و جمع کثیری در سهل جمع شده و مردم او را اطاعت مینمودند

و بعد که درن مامون امام ثامن حضرت رضا علیه السلام را و امر نمودن بشکران که لباس سپند خود را نزل نموده جامه سبز
 پوشند و این واقعه در دویم رمضان واقع شد و بسبب این عیاشی خاصه بر بنوی و ابراهیم بن مهران مهدی که آن آمد
 و بعضی از اهل بغداد امتناع نمودند و شخصی که این بیعت در بغداد میکرد عیسی بن محمد بن ابی خاتم بود کفکوی اهل
 بغداد در خلع مامون و بر داشتن ابراهیم بن مهدی را بخلاف بیعتی که حسن بن سهل یا پیشکار خود فرار داده و خلافت
 را بخانواده آل علی بن ابیطالب علیه السلام راجع کرده است فتح کردن عبدالله بن حراد به والی طبرستان جبال خرمستان را
 و بدست آوردن شهر بارین شهر بارین شروین که در آن جبال بود و دستگیر نمودن او بولسپاد شاه دیلم را و وقوع
 زلزله عظیم در خراسان ابتدای امر بایک غرق و ظهور او در میان طایفه جباران که معتقد به تسبیح بود و میگفت
 ارواح نقل مابدان مینمایند **افریقا** و قات ابوالعباس عبدالله بن ابراهیم بن اغلب و لایق ذیاد بن ابراهیم بن اغلب

در افریقیه
سند هجری

۸۱۷ هجری

اسیای بیعت کردن اول بغداد با ابراهیم بن مهدی و خلع نمودن مامون را از خلافت و این بیعت را مطلب بن عبدالله بن
 مالک برای ابراهیم بن مهدی استیلائی ابراهیم بن کوفه وارد و زدن در مدین دادن ابراهیم حکومت جابیه غریه بغداد را بقایا
 بن موسی هادی و حکومت جابیه شرقی را با اسحق بن هادی و کوفه را با اسحق بن سهل بن سلاه و اگر امر معروف و نهی از منکر میکرد
 و فرستادن او را نزد ابراهیم بن مهدی در مدین که او را بعد از زدن مجلس کرد عزیمت مامون از خراسان بخراسان بجهت دفع
 ابراهیم بن مهدی و جانشین کردن عساکر بن عباد را در خراسان و چون مامون بخراسان آمد در دویم ماه شعبان چنان فرود
 تمام بر وصل بن سهل و والی پاستین حمله کرده او را بکشند مامون گفت هر کس فائزین ذوالقاسم بن را بکشد ده هزار نسیه
 با و انعام میدهم عیاش بن هشام دهنوی آنها را گرفت نزد مامون آورد آنها بمامون گفتند تو امر کردی که ما فضل را بکشیم
 مامون حکم کرد که در آنها از زدن و منوچه عرف شد ابراهیم بن مهدی و مطلب که بیعت از برای او میکردند از آمدن مامون
 خبر شدند مطلقاً رض کرده بعباد آمد و در خفا شروع کرد به بیعت گرفتن برای مامون و خلع ابراهیم بن مهدی را
 ابراهیم بن سهل از مدین بسد بغداد کرد و مطلب را طلبید مطلب از آمدن امتناع نمود ابراهیم حکم کرد خانه های او را خراب
 کردند و خود او را بنوا بستند بچین بر او ندمه آوردند و او را در خراسان در خراسان بن سهل با مامون و در آمدن مامون در خراسان
 در نکاح حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با فاطمه بنت ابی محمد زیدیه که بچین بن مبارک بن مغیره مقرر مصاحبه عمر بن العلاء
 باشد و او را زیدیه میگفتند بجهت اینکه مصاحبه زیدیه بن منصور خال مهدی و معلم سپاه بود **امریا** (ایطالیا) شود
 پادشاه ایطالیا نیز نازد بعم خود لون پاستکال اول روزم بیایند بر فراز کردید

سند هجری

۸۱۸ هجری

اسیای ارغال امام ثامن حضرت رضا علیه السلام در طوس و بجهت سالکی و داستان مسووشدن آنحضرت معروفست
 و اجازت کردن مامون اهل بغداد را از ارغال آن بزرگوار و خارج کردن بغداد بها ابراهیم بن مهدی را که یکسال و پانزده ما
 بر آنها ولایت داشت و مواریث شدن ابراهیم که پنهان بود تا مامون بغداد آمد رسیدن مامون در آخر ذیحجه اینسال بغداد
 زلزله های شدید در خراسان و ماوراء النهر خاه در بلخ و جوزجان و فاریاب طالقان که هفتاد روز طول کشید و
 خسارت زیاد وارد آورد ابتلائی حسن بن سهل بنجود، جد تکیه او را حبس در بند آن گذاشتند و ملان سپاه که با او بودند
 اینغفره را برای مامون نوشتند

حکم بن هشام بنجسالتنا سبانی
سند هجری

سند مسیحی ۸۶۲

اسیاد و نظامر ذوالعینین و جمادی الاول برضی بن ابی ذر جعفر آخری بود که ظاهر بعد از نماز جمعہ اسم مامون را از دعا
متر و کند و فصد طبع او را داشت بعد از ظاهر علی و سایر والی مازان شد و هفت سال در ایام مامون والی ایپولان بود
و مامون احمد بن ابوغالبه پیشکاری طلحه فرستاده و احدی با وراء التهریف و اشرو سنه رافع کرد و کاوس بن صارخره و فضل
دیکر و سراسر کرد و بن مامون فرستاد فخط و غلاد بغداد که قتیب بن کثیر هارون کندم بچهل درم و پنجاه درم زد
و لا بن محمد بن حفص در طبرستان و رومان و زماوند و قات محمد بن عمرو بن واقد الوافدی که عالم بغازی و اختلاف آرای
بود و در حدیث چندان قوی نداشتند قات محمد بن عبدالله بن علی معروف با بن کناسه خواهر زاده ابراهیم بن ادهم
که عالم بر تبت شعر و روزگار مردم بود و قات ابوزکر یا عجمی بن زباید بن عبدالله معروف و خلیف الدبلی الکوفی که اعلم علمای کوفه
بود و نحو و لغت و فنون ادب اروپا (اسپانول) مجامع شد و در اندلس شیوع طریقه مالکی در این مملکت

سند هجری

سند مسیحی ۸۶۳

اسیاد و فضل بن ربیع و قات موسی بن ابراهیم اروپا (اسپانول) و قات عبدالله بن عبدالرحمن الاموی معروف و خلیف
حکمران بلنسیه از ولایات اندلس **افریقا** و قات الیسع بن ابوالقاسم حکمران بجماسه و لا بن برادر او منصور بن ابوالقاسم
بجای او

سند هجری

سند مسیحی ۸۶۴

اسیاد حاکم بن عبدالله بن طاهر نصر بن شیبث در کپس و سحن شد کار بر نصر که از عبدالله امان خواست باز رفت
خود فرزند عبدالله آمد و عبدالله نصر از زده مامون فرستاد و در سال بعد در ماه صفر بمحض مامون و اصل کرد و الی الکلا
علی بن صدقه معروف به زر بنی و ابراهیم بنی و آذربایجان و مامون کردن او را بجا برد با بک و قات ابو عبیده معمر بن شتی
لعوی بقول **اروپا** انعقاد مصالحه مابین امپراطور قسطنطنیه و عبدالرحمن دوم پادشاه اسپانول بر ضد مامون
غلبه دزدان بحر و اسپانول بجزیره کرد که در نصر قنایم امپراطورهای قسطنطنیه بود و بنا کردن شهر کاندی **افریقا**
خارج شدن منصور بن نصیر از طاعت بنیاده الله بن اغلب حکمران افریقیه

سند هجری

سند مسیحی ۸۶۵

اسیاد ستیکر کردن مامون ابراهیم بن محمد بن عبدالوهاب بن ابراهیم امام را که معروف با بن عایشه بو با جمعی از اعیان
که با او بودند و سعی میکردند در پیش گرفتن ابراهیم بن مهک و پس از دستگیر شدن مجوس شدند و این عایشه
حکام مامون بدار زدند و این اول شخصی است از آل عباس که مصلوب شد گرفتار حارس اسو ابراهیم بن مهک را که نقاب
انداخته بود و بلباس زنان ملتبس شده و عوزن نیز با او همراه بود خلاصه حارس ابراهیم را نزد مامون آورده مامون
او را حبس کرد بعد از او را مامون بجا نمود بجا خود با بشفاعت حسن بن سهل و بعضی گفته اند که بوران دختر حسن بن سهل
شفیع ابراهیم شد و روی بوران و مامون که حسن بن سهل در فم الصلح بود که مامون از بغداد بقم الصلح آمد بمواقف
و حده بوران هزار دانه مر و ارد که از بهترین لالی بنا بود بر مامون نثار کرد و یکشمع عنبری که چهل من وزن آن بود
در جشن انجروی روشن کرد و حسن بن سهل اسامی املاک خود بر یکدک روضه ها نوشت و آنها در میان سر کرده ها پراکند
کرد و هر کس هر روضه که یافت ملکی در آن مسطور بود مالک شد در سنه و بیست و سه مذکور شد که حسن بن سهل

دیوانه و مجوس شد از این اخبار علوم پیشو که حسن دوباره صحیح العفل شد و بجای خود ننگ بافته اگر چه موخر این مطلب بصریح نکرده اند و فاطمه خرمی در پنجاه سالگی شوهر موسی بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبد الله عباس بن طعیمان اماره که تخفیف در مالیات خود میخواستند فرستادن مامون علی بن هشام و عیسی بن عیسی که این آنها را منکوب نموده و بجای تخفیف مبلغ گزافه بر خراج آنها افزودند و فاطمه شهریار بن شریح حکم این جبال طبرستان کرد پس از شاپور بجای او بر فرار شده و ما ز بار بن فارن با او مقاتله نموده او را اسیر کرد و کشت و جبال را منصرف آمد
امریا (رم) فوت ازین دقم پاپ خلیفه عیسویان افریقا اسپلا و غلب عبد الله بن طاهر بن ابی العینین مصر و اسکندریه

سند هجری

سند مسیحی ۸۲۶

اسیا کشته شدن سید بن اسرازدی امیر موصل بدست ملازمان زر بنو علی بن صدقه از دی موصلی که از این صفت مامون در غضب شده محمد بن حمید طوسی را مامور بجنگ زر بنی و بایک خرمی نموده حکومت موصل داد و فاطمه موسی بن حفص که سپه سرش و ابی طبرستان کرد و ولایت حاجب نصاب در سنده که بشیر بن داود او را منصرف کرده و او بکرمان آمد
ابو العاصم شاعر و فاطمه خشم نخوی بصره و فاطمه عبدالرزاق بن همام الصغاری محدث که از مشایخ احمد بن حنبل بود شیعی مذمب فریقا اختلاف فیما بین عامر بن نافع و منصور بن نصر و کشته شدن منصور

سند هجری

سند مسیحی ۸۲۷

اسیا ظاهر کردن مامون قول بخلو قران را و تفضل علی بن ابی طالب را بر جمیع صحابه و گفتن که علی بعد از پیغمبر افضل از جمیع ناس است و فاطمه محمد بن یوسف الضبی از مشایخ بخاری اسپلا محمد بن حمید بر موصل و غلبه او بر زر بنی و خلع احمد بن محمد البری و عرف با هر لعین مامون داد پس که محمد بن عبد الحمید معروف اولاد حضرت امام علی القلی علیه السلام را زنده شد و باقی بن که شد نشان در عدل پیشتر بود و خرابی یاد از جبار رسانید و بسپار راه را که کرد امری یا (اسپانول) جریان سبلیا عظیم و بارانهای متوالی در اندلس که سواد اغلب بلاد سجدی را خراب کرد و پارس را کوس آب برد و بعد ها از اسپانیا آمدل بعادت و احکام نمودند فریقا غلبه اعز ما بن یقار جزیره سیسل

سند هجری

سند مسیحی ۸۲۸

اسیا دادن مامون ولایت جزیره و شعور و عوامم (سردان) را بسیر خود عباس و ولایت شام و مصر را بابی اسحق الفصم بر داد خود ولایت سند را بنسان بن هباده و فاطمه ابراهیم موصلی مفتی که کوفی بود بموصل رفت و بر کشته بعد مردم او را موصلی گفتند فوت علی بن حبه شاعر و ابو عبد الرحمن مفری محدث و فاطمه طلحه بن طاهر بخراسان افریقا طعیمان اهل مصر که معصم با بن مملکت آمد بعد از مقاتله بر طعیمان غالب آمد و فتنه را خوا باسند و فاطمه ابو محمد عبد الملك بن هشام بن ابی العینین که مصر که مؤلف تاریخ حضرت رسول ۴۰ موسی و سیر ابن هشام است

سند هجری

سند مسیحی ۸۲۹

اسیا کشته شدن محمد بن حمید طوسی بدست اصحاب بایک خرمی و مامون کردن مامون عبد الله طاهر را بجنگ باک دادن مامون ولایت بخراسان را عبد الله بن طاهر و ولایت علی بن هشام در جبل و رم و اصفهان و آذربایجان آمدن ابو از اصحاب امین نزد مامون و پذیرفتن مامون او را با اکرام و ابودلف پیش از این زیاده از حد از مامون خائف بود افریقا وفات ادریس بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در مغرب که بعد از او محمد بن ادریس سپه سرش در فارس بر بر

بجای او برقرار شد و برادر خود فاسم بن ادریس را در طنجره و مضافات و لایحه داد و برادر دیگر خود عمرا و ابوالصنایع و غار
کرد و داد و برادر دیگر را حکومت هواره با سلطنت داد و همچنین برادر دیگر او والی شهران (دای) و مضافات کرد و بدو وفات
ابو عامر بن محمد شیبلی که در فن حدیث امام بود

سده هجری

سده هجری

اسیا و فاشا بوسلیمان النازانی از اهد در طار با و مکی بنا بر ایهیم الخ از مشایخ بخاری ابو سعید الخوی القوی
وفات ابو سعید اصمعی لغوی بصری بعضی وفات او در سال و بیست و شش و ده و برخی در و بیست و هفت نوشته اند
و اسم اصمعی عبدالملک بن خریب بن عبدالملک بن صالح و عمرش هشتاد و هشت سال بود و نسبت اصمعی با اصمعی جدا است و
اخبار و نواز و لغت امام و صاحب نظایر کثیر است **مرحوم** راندن مامون بیلاد در و مینه الصفری منازعه مابین
عساکر اسلام و مشون منطظینه منشا این نزاع این بود که بکفر از معارفی معروف را که از اهل شالی در جزو خدا
امپراطور منطظینه بود خلیفه بنای بعضی اینها حضار کرد امپراطور از فرستادن او مضایقه نمود لهذا جنگ در گرفت

سده هجری

سده هجری

اسیا رفتن مامون بیلاد در و مینه الصفری فتح کردن صوغند که از جمله مراکله (مراکله) بود و کشتن بسیار از روم و بهار او
مراجعت کردن بدمشق که بعدها بواسطه ظهور عبدسفری در مصر در ماه ذیحجه از دمشق بمصر رفت و فاشا نام جعفر بن
مادر امین در بغداد و لایحه عمر بن موسی العنکب در سند

سده هجری

سده هجری

اسیا مراجعت مامون از مصر شام بعد از آنکه در مصر عبدسفری را کشتن زده بود کشتن مامون علی بن هشام را که حاکم
آذربایجان بود و ظلم زیاد میکرد و آخر الامر مینخواست بیابک خرم ملحق شود رفتن مامون بیلاد در و مینه الصفری اقامت کردن
بکصد روز در لولوه و باز کشتن و فرستادن امپراطور منطظینه نزد مامون و طلب صلح کردن که کار مضاحمه با انجام رسید

سده هجری

سده هجری

اسیا و فاشا مامون در هجدهم رجب در ساحل نهر بدندون در چهل و هفت سالگی که مدت خلافتش بیست و چهار سال و
پنجاد و بیست و سه روز بود غیر از آن ایامی که امین در بغداد محصور بود و مردم دعوت بخلافت و بیعت با مامون میشدند چنان
مامون در گذشت معنم عباس بن مامون نغش و رابط بر سر آورده در خانه جلوان (خانان) خادم رشید فن کردن خلافت
ابو اسحق محمد معنم برادر مامون که هشتاد و هفت سالگی است بیعت کردن عباس بن مامون با او که این فقره سبب اتفاق
مردم بر بیعت کردید مراجعت معنم عباس بن مامون بغداد و فاشا بشیر بن عباس المرسی خراب کردن معنم شهر طوان را
که ملعون امر به بنای آن نموده بود داخل شدن جمعی از اهل جبال و همدان و اصفهان و واسط و غیره در بن خرمه و فرستادن
معنم فتوی به راهی اسحق بن ابراهیم بن مصعب بفتح خرمه و دادن حکم از جبال را با اسحق و کشته شدن شصت هزار نفر از
خرمیه بیست عساکر فرج پوره و فرار کردن باقی بیلاد در و مینه الصفری

سده هجری

سده هجری

اسیا چون بنو عباس مراد داشتند که عقبه فول بخلق قرآن را در میان مردم شایع کنند و علمای را در این عقیده امتحان
بنمودند و اینسال معنم احمد جنبل را احضار کرد و از او این مسئله را سوال نمود او از آن بخلو قرآن نکرد لهذا معنم
نازبان زبانی نده قید و حبس نمود و فاشا ابونعیم فضل بن ابراهیم بخاری و مسلم که شیعی مذهب بود ظهور نمودند

قاسم بن عمر بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در طالقان که مردم با امام محمد تقی علیه السلام دعوت میکرد و قبول کردند جمع کثیری را با امامت بخاریهای او با سر کرده های عبدالله بن طاهر که آخر الامر به سافزار کرده ها گرفتار کرد و با او در بکر و نزد عبدالله بن طاهر فرستاد و طاهر او را نزد معنم روانه نمود معنم او را حبس کرد و او در شب عبد فطر از مجلس فرار نمود مامو کردن معنم عقیق بن عیسی بخاری بر زقط که بر راه بصره غلبه نموده بودند و کشتن بسیار از آنها را آمدن اسحق بن ابراهیم بغداد با اسرای فرستاده کوفت اسحق صد هزار نفر از این طایفه را بکشت سوای نسوان و اطفال

سده هجری

۱۳۵ هجری

آسیا ساختن معنم شهر سامرا (سمرقند) را در پنجاه هزار مری بغداد گرفتن معنم و زهر خود فضل بن مروان را که مسلط بر کارها شده و دخلی معنم بنیاد و بر فرار کردن معنم محمد بن عبدالملک زبانت را بجای او را تحال حضرت امام محمد تقی علیه السلام در بیست و پنج سالگی در ماه ذیحجه گرفتن عقیق طایفه زط را آوردن بغداد مامو کردن معنم افشین خند بن کاوس را بجنک بابک خرمی و دادن حکومت جبال را با او و کشتن افشین جمع کثیری از اتباع بابک را و گرفتن بابک بغان و قات فخر موصلی را هلاک کرد و از او لیا و اجواد شمرده اند

سده هجری

۱۳۵ هجری

آسیا منهر کردن بابک خرمی بقاء کبیر را که از جانب خلیفه قبطه و آذوقه برای عساکر افشین آورده بود و منهر کردن افشین بابک را و قاتاد بن ابی اسد الپاس عسقلانی از مشایخ بخاری فریقاً و قاتاد بن محمد بن قاضی مروان که از علمای عاملین زاهدین بود

سده هجری

۱۳۶ هجری

آسیا فرستادن معنم جعفر جنات را بکنک افشین یا تهبه و آذوقه گرفتن بدشهر بابک را و گرفتن بابک و عبدالله برادر او بعد از جنگهای سخت و نوشتن افشین گرفتاری بابک و برادر او را بمعنم و امر کردن معنم آوردن آن را بسامرا نمودار شدن دو ذنبی که زینا و بسپا طول بود **اروپا** (اسپانول) اسپلای عبدالرحمن دوم پادشاه آسیا بر شهر طبله از مداین اندلس بعد از آنکه مدتی در حال عصیان بودند و جنگها با عساکر عبدالرحمن نمودند (در وقت خلافت) ثوفیل امپراطور قسطنطنیه طرف نشسته اناطولی را که در تصرف خلیفه ثوقتل و غارت نمود

سده هجری

۱۳۷ هجری

آسیا آوردن افشین بابک خرمی و برادر او را بسامرا و کشتن بابک را بحکم معنم که سر او را بخراسان فرستادند و حیدر او را در سامرا بردار زدند و معنم حکم کرد عبدالله برادر بابک را بغداد نزد اسحق بن ابراهیم بردند و با او همان کردند با بابک نمودند و افشین در وقتی که بابک از معسکر خود بطرف سامرا آمد در هر منزل خلیفه واسبی از خلیفه با افشین می رسید و بخارج ابام جنگ افشین با بابک در روزیکه سوار میشد ده هزار درهم و در روزیکه سوار نمیشد پنجاه درهم بود و عده اشخاصی که در ظرف بیست سال بدست اتباع بابک کشته شدند بهر دو بیست و پنجاه و پنجاهار و پانصد نفر رسید و افشین بطلبها و افزه و دو حامل جواهر از جانب خلیفه بهره مند شد حکمرانی سند یافت حضرت معنم با عساکر جرار برای انتقام کشیدن از ثوفیل امپراطور قسطنطنیه در بیست و هشتم جماد الاول و رفتن بطرف عمویته و سوختن و خراب کردن آبادیها در رویمهارا و رسیدن عمویته در بیست و هشتم رمضان و نصب کردن مخیفها برای فتح این شهر و قتال شد و خراب کردن چند موضع از شهر را با منجیق و دود کردن شهر و نهیب قتل زیاد و امر کردن معنم خراب کردن این شهر و مدتی

خبر در روزن جمله باغاه و ذال میباشد

انامت معنم در عویته پنجاه و پنج روز بود بعد مراجعت بر حداث نمود و درین راه شنید که جماعتی از سر کرده ها با عبا
مامون بیعت نموده فصد طع معنم را دارند معنم عباس را خضا کرده او را بگرفت و با فشن خیزد بن کاوس تسلیم کرد چون
بیعت رسیدند عباس غذا خورد و او را از آب منع کردند تا او در میخ مرد و معنم با امر آمدن افریقا مردن زباده الله بن
ابراهیم بن اغلب بادشاه افریقا و بر فرار شدن برادرش ابو عقال اغلب بن ابراهیم الاغلب بجای او

سند هجری

۸۳۸ صبحی

اسیما اظهار خلاف کردن مازار بن فارس و نداد هرز حکمران طبرستان با معنم و محاربه عبدالله بن ظاهر با او و کلاه
عبدالله بن السید بن اسدی در موصول ماموش شدن بدفع اگر ادبکه در این ولایت طغیان کرده بودند و کلاه جعفر بن
مبارد درین وقت ابراهیم بن مهک در رمضان و فانی ابو عبید القاسم بن سلام امام القوی

سند هجری

۸۳۹ صبحی

اسیما آوردن مازار را با امر و حبس کردن او و اعتراف نمودن مازار با اینکه افسین با او مکاتبه نموده و او را بر مخالف
ترغب کرده که بعد از چهار صد پنجاه نازبان زدند و او پس از نازبان آب طلبیده خورد و برید غضب کردن معنم بر افسین
و حبس نمودن او و فانی ابو دلف عجمی که اسم او قاسم بن علی بن محمد المدائنی مشهور صاحب نصابند
مغازی و سهر

سند هجری

۸۴۰ صبحی

اسیما مردن افسین در حبس معنم بیرون آوردن جسد او را از محبس و بار زدن و سوختن زلزله شدید در اهواز
که پنجره و زطل کتید و در حین زلزله یاد سخت سوخت و فانی ابو هذیل محمد بن هذیل بن عبدالله العلاف البصری شیخ معتزله
که زباده از صد سال داشت افریقا و فانی ابو عقال اغلب بن ابراهیم اغلب که برادرش ابو العباس محمد بن ابراهیم بن اغلب
بجای او بر فرار کرد بدو مدت حکمرانی ابو عقال در افریقا دو سال و نه ماه بود

سند هجری

۸۴۱ صبحی

اسیما و فانی ابو اسحق محمد بن معنم بر مردن الرشید در هجرت سابع الاول در سامرا و مدت خلاف معنم شش سال
شش ماه و دو روز و مدت عمرش سی و سه سال و سال بود خلاف الواثق بالله مردن بن معنم و مادر الواثق ام ولد و مقبره
ستاد بفراطین میباشد بغبان طایف قیسیه در دمشق و محصور نمودن حکمران خود را و فرستادن الواثق رجای بن ابوی
بالشکر بدفع آنها و جنگ کردن رجای با آنها در مرج راهط که هزار و پانصد نفر از آنها را بکشت باقی فرار کردند
امینت در دمشق دایر کردند و فانی بشر بن حارث زاهد معروف بجای در سابع الاول رفتن رجای بن ابوی از دمشق
بجنگ مرج که در اینجا فرج کرده بود و کشتن بیست هزار نفر از اصحاب او و گرفتن او را و فرستادن بسامرا ابتدا
بر فرار کردن بنی عباس فرار و لنگرهای خود امری یا (منظمنه) امپراطور سونیل بعد از شکست از عساکر اسلام
در اطراف قندهار آن امانت برده و بنامد و لنگرهای او شرب نمود تا ببرد بعد از وزوج و فرزند را (بدوره) بنیابن لیس
صغیر خود که موسوی به مینل (پنجاهیل) بن سورا بود بسلطنت پرداخت (طبرستان) پسران نامی بسلطنت بملکت
منتخب کردند

سند هجری

۸۴۲ صبحی

اسیما اعطای الواثق بالله بر شناسنک اجد و جابل محط و غلایان و آب در راه و بر سرهای سخت و صوفی

۲
۸۳۸ خلافت عبا

عج بعد از شدت نگرها غفلت سقوط قطعه از جبل در جبهه عقیقه هلاک شد چندین از حجاج و قات عبدالملک بن عبدالعزیز
 ابونضر بن زاهد و محمد بن عبدالله بن عمر بن سعید و بن عمرو بن عبس بن ابی سفیان العینی الاموی البصری و ابو عبد الرحمن
 که عالم باخبار بود و ابوسلیمان داود انصاری التمیمی المحدث و قات ابونمام حبیب بن اوس انطالی الشاعری و ابی حمزة
 موسی بن موسی عامل شهر نطیله با عساکر عبدالرحمن دوم پادشاه اندلس بسرای حضرت بن بزنج و مغلوب شد موسی
 که از جانب عبدالرحمن امان یافته و اسی شهر نطیله گردید افریقا فتح کرد عساکر اسلام چند محل از جزیره صقلیه
 و امیر صقلیه محمد بن عبدالله بن اغلب ساکن در شهر بلرم از صقلیه بود و خود از این شهر بیرون می آمد ولی لشکر
 با طرف مغرب سواد آنها فتح میکرد و غنایم می آوردند و نوزده سال محمد بن عبدالله بن اغلب امارت داشت از درج
 سنه دو بیست و سی و هفت در گذشت

سنه ۸۴۳ مسیحی

سنه ۲۲۹ هجری

اسیا حلیس کردن الواثق بالله کتاب و منویقهای خود را که جرعه زبانی از آنها بگرفت و لایب شهر با سیار
 و لایب محمد بن صالح بن عباس در مدینه و قات خلف بن هشام البراز المفری

سنه ۸۴۴ مسیحی

سنه ۲۳۰ هجری

اسیا فرسادهن الواثق بگایر (سردار طلا به) را بفتح اعراب بنی سلیم کرد در نواحی مدینه نبوت داخله و جمع از طایفه بنی کنانه
 کشته و سیامحمد بن صالح حاکم مدینه را نیز منضم ساخته بودند و مفهوم ساختن آنها را بنی هلال را و قات عبدالله بن طاهر الهمینی
 حکمران خراسان که علاوه بر این ولایت امارت حربه سپا و دژ و طبرستان و کرمان و مضافات آنها نیز با او بود و عبدالله در این
 در بیع اول در گذشت در این وقت خراج این اعمال چهل و هشت هزار درهم بود عمر عبدالله و همچنین عمر پیش طاهر
 چهل و هشت سال و عبدالله ادیب عالم و شاعر و جواد بود و پس از او الواثق پسر طاهر بن عبدالله را بجای او بر اعمال کرد
 حامل کرد فون شناس که نه روز بعد از فوت عبدالله و قات محمد بن سعید بن صبیح ابو عبدالله کاتب و اقدی صاحب طبقات
 و محمد بن یزید بن سوید المرزوی کاتب سامون و علی بن محمد ابو الحسن الجوهری از مشایخ بخاری که شیعه بود امر با پادشاه طاهر
 بلغار موسوی بفری بن مسیح را اختیار نمود (اسپانول) مجوس از افاصل بلاد اندلس از روی در با حله بر بلاد مسلمان نمود
 جنگها کردند و آنها را شکست داده نار سپیدند به اشبیلیه در اینجا عساکر عبدالرحمن دوم با اتفاق مسلمان مجوس را منضم و
 بسیار از آنها را بکشند و چهار فرزند از سفایر آنها بگرفتند بقیة السیف در کشته ها خود نشسته فرار کردند

سنه ۸۴۵ مسیحی

سنه ۲۳۱ هجری

اسپا خروج احمد بن نصر بن مالک بن هشام خراسی که حدیث مالک یکی از نقبای بنی عباس بود چون احمد مذکور فائل خلق
 فران نبود از الواثق و کسانیکه فائل خلق فران بودند بلیه کف با جمله جمعی بر ضد الواثق را و بکنار کردند و او علم داعیه افرا
 استحقاق بر ابراهیم سردار فتنه و خلیفه چون غائب بود برادر و نایب او محمد بن ابراهیم احمد و بعد او را گرفتند با امر فرساده و
 الواثق سرور را بریده بغداد فرساده و در محلی نصب کردند و لایب جعفر بن یزید بنار در بنی نقب در دن در زمان بنی مالک
 که در دارالعامه بود و دستگیر شد آنها آمدن و صفی که از نواحی اصفهان و جبال و فارس با پانصد نفر بر او عز
 بطلب آمد بکه در نواحی مزبور فتنه کرده بودند و اعطای الواثق بوصیف هفتاد و پنجاه اردنبار با یک قبضه شمشیر
 و قات مخارق مغنی و ابوعقوب بوسف بن یحیی بویطی نقیه (بویط قریه است در مصر) و قات محمد بن زیاد معروف با بن
 اعرابی کوفی صاحب الفقه که پدر او بنده سنه و خود صاحب مصنفات نماز بود و قات دختر حضرت مرسی بن جعفر

که مکانات بام اسپان بود امیر پاپا طایفه بلپسی که در رومینه الکبری ساکن و پیر و مذنب مجوس بودند چون بولده بن مسیح
بنکرند حکم امیر اطریش ناد را صد هزار نفر از آنها مفتول شدند (رومینه الصغری) تا حین عساکر اسلام بر بلاد این
ملکت مغلبه کردند و کوفتن غنایم بسیار (اسپانول) ایجاد چایارخانه در اندلس حکم عبدالرحمن دوم افریقا عیاره
ما بین احمد بن اغلب برادرش محمد بن اغلب را فریقیه و غلبه محمد بن احمد و نفی او از مملکت بطرف بلاد مشرق و استنفاذ امانت
محمد و فوئاد احمد در عراق

۲۳۲ هجری

۸۴۷ هجری

اسپانیا ماموشند ببناء کبر از جانب الواثق بدفع طایفه بنی نمیر که در حد و سحاز و بمقام فتنه نموده بودند و غلبه بر آنها
وفات الواثق بالله ابو جعفر هر و بن محمد المعصم بالله در بیست و چهارم ذیحجه مرض استسفا کونند اطباء در معالجه لواء
گفتند در نور کرم نشیند چون چنین که بصبود در خود دیند و زدیگر نور را که مرکز کرد و بیشتر از روز پیش در نور
نشست عارض او شده و بزودی و گذشت در راه رونی در راه مکه مدفون شد مدت خلافتش بخیر و از نه ماه و کسری
و عمرش بود و باسی و شش سال خلافت منوکل جعفر بن معصم همین خلیفه عباسی که در بنو فتنه بیست و شش ساله بود
و لایس بر اہم بن محمد بن مصعب رقا رس نیک آب در راه مکه و مردن بسیار از حاج از نشیند و رسیدن فتنه آب جریحه
بچند بنار غرق و هلاکت بسیار از اهل موصل در آب بجهت طغیان بجله که بسیار از انبیا را آب خراب کرد و صد
نفر هلاکت مبد امیر پاپا (اسپانول) خشکالی و جماعت سخت که جمعی کثیر هلاک شدند (ابطالیا) لئون
چهارم در زم بیا پتنه منصوب کرد بد سقانی اعراب تا حوالی زم راندا فریقیا ملخ خوارکی در مغرب مهاجر بن اغلب
مسلمانان بسنت عربستان

اسپانول

۲۳۳ هجری

۸۴۸ هجری

اسپانیا کوفتن منوکل در ماه صفر محمد بن عبدالملک الزبایف وزیر الواثق را و جسور کردن و اخذ نمودن جمیع اموال او را و
اورا انداخت در نور نسکی که اطراف آن بجهت های آهن کوبیده بود و در نور ماند تا در نوزدهم ربیع الاول در گذشت و این
نور را خود این زبایف ساخت و این اسطامصری در آن عذاب نموده و اموال او را از او گرفتند و منوکل و لایس عمره
همین را بپسیر خود منصرف غضب کردند منوکل بر بعضی از ارکان دولت و ائمه را که در عهد و ائمه هانت منوکل که منسوب
واثق بود و کوفتن اموال آنها عزل فضل بن مروان از دیوان خراج و بصبیحی بن خاقان خراسانی از موالی از دیوان و نفوس
دیوان زمام نفقات را بر اہم بن عباس بن محمد بن مصل و فاقا بوزگر یا بچینی معین بن عون بن زیاد بن بسطام مری بغداد
که با احمد بن حنبل صاحب صحیفه نامی داشت

نمود ببول

۲۳۴ هجری

۸۴۹ هجری

اسپانیا فرار محمد بن یحیی بن جلایق از سامرا با ذری با بجان که او را از آذربایجان با سپر دنیا مرا آورده بودند با بجان بن یحیی
در شهر مرند که سکن او بود حصن حصین و عبود و بنایین بسیار در داخل بلد داشت مختصن شده جمع دورا و جمع
شدند عزل کردن منوکل محمد بن حاتم بن مرثد و الی اند با بجان را که در کار ابن یحیی بی کفایتی کرده بود و نصب حمد و بن
علی بن فضل بن یحیی جای او که حمد و بن مرثد را محاصره نمود پس از کوشش زیاد بتمهید بغا الشریح حصن مفتوح و ابن یحیی
پس از فرار کردن از شد و فاقا محمد بن بیشتر از مغزله بغدادی ابو جہش زهر المحدث و علی بن عبداللہ بن جعفر معروف
با بن مدینی حافظ و ابو یقوب سلیمان بن داود بن شاپور الشریح البصری

۲۳۵ هجری

۲۳۵ هجری

۹۴۱ هجری

سیبا شخصی موسوی بن فرج در سامرا ظهور کرده ادعای نبوت نمود و خود را ذوالقرنین دانست و مردم را سرپیسته بول کرده ملازمان خلفه آنها را بکفر فتنه نمود و ابیض را بازبانه بکشته اصحابش را حبس نمودند و قاتلین را در میان مالکی و قاتل اسحق بن ابراهیم مؤصله مفتی مشهور وفات عبدالسلام بن رغبان شاعر مشهور مورخ معروف بنی امیه در هفتاد و چند سالگی در پایا وقوع سیل عظیم در بلاد اندلس که خرابی پاد نمود

۲۳۶ هجری

۹۴۲ هجری

اصیبا امر کردن منوکل خراب کردن قبر مطهر حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام و عدم اینکه در روز آن فریاد بود و منع کردن مردم را از زیارت حضرت ابی عبدالله صاحب کمال التواریخ و ابوالفدا و غیره گویند منوکل را بغیر سید کاظم این ابطال علیه السلام و اهل بیت آنحضرت بود و یکی از ندمای منوکل بنامه المحدث بود که در مجلس منوکل حرکات شیعی و حوشتان را نسبت با اهل ائمه بن علی علیه السلام میزد و متوکل شراب میخورد و میخندید و روزی منصرف از مجلسی آمد و در پیشگاه حضرت نبیل بختان نالایق کشود منصرف منوکل گفت علی پسر عم تستون خود اگر گوشه را بخوابی بخونی بخوابی اما از روبرو با این ملک (سیا) مخرجت) و امثال او سبند از منوکل رو خود با آواز خوانها کرده گفت بخوابید خلاصه اکثر محالست و کل یاد سخنان علی بن ابی طالب بود و مدعی کردن او از آنحضرت حسنا و دراپوشید و الا سپرده احسن خلفا بودند

وفات منصور بن مهدی مسموم کردن محمد بن ابراهیم بن بصیب با امر منوکل مردن ابوسعید محمد بن یوسف و نزول منوکل حکم از مینت و آذربایجان را با سب او کرده بود و پس از این حکومت بر پسر ابوسعید مقرر آمد و وفات ابراهیم بن محمد شافعی

۲۳۷ هجری

۹۴۳ هجری

اصیبا شورش اهل اربنیه بر عامل خود یوسف بن محمد که او را بقتل رسانیدند و مأمور شدت بجای که بر بجز خواهی بود که در اربنیه قتل و غارت شدید نمود و نفل پس را محاصره کرد ظهور آتش عظیم در مسقلان غنیمت کردن منوکل بر احمد بن داود و ضبط اموال و حبس اولاد او غلبه کردن مردی از اهل بسط و یوسف صباح بن نصر کمانی بر یوسف صباح با ائمه بنی لیس صفی بود طاهر بن عبدالله بن طاهر حکمران خراسان بختار از نصر صلح بیرون آورد پس از آن در همین خست از منظوم بر بختا غلبه کرد و چون از ندر ملکی لشکر کشید پیغمبر یوسف و یوسف بن لیس در سپاه شدن بصیرت کامل داشتند یوسف و اکنار کرد و یوسف و یوسف منقل شده روزی وزیر ضبط بلاد و قوت خود از نزد وزیر محمد بن عبدالله بن طاهر بغداد دادن منوکل امر خیره و عسکر و نیابت خود را در بغداد با و بغداد و ولایت سودان وفات حاتم بن اتم نا امد بنی معروف و بنی بخار شاعر اربابین حدیث که در بندگان که در سمت خویش تجار عرب بیشتر از ملل دیگر دیده میشوند و نفر از مسافرن بحرهای عرب و قهاب ابو سعید ملت بیست پنج سال مرد دای چین و بر روی این ملک سبنا حنموده انکشاف غرب (جوهر شراب) و جای و ظرف چینی را آنها کرده و در میان اعراب پیدا و لغوده اندایان شمالی چین با خنای میکشند و چون چای چین و لا پسر و بد معروف و بجای خنای شد و اهلان جنوبی چین را صین سبنا پیدا امر و با ناخن خنای اسلام بر بلاد نسا و غلبه بر آنها که انوافه را اندلس معروف و بوقعه ایضا کرد بد افریقیا وفات محمد بن عبدالله امیر صلیبه بر فرار شدن عباس بن فضل بن یوسف و فراره بجای او که فتوحات سبنا در آن خود کرد و محمد بن اغلب وانی از نبطیه حکومت او را مضاعف و فرمان برای او فرستاد و در این شهر شهر قصر بانبر را که پیش از اینها دارالملك صلیبه بود فتح کرد و در او مسجد ساخت و منبر نصب نمود و نماز جمعہ کرد و باز ده سال حکمرانی داشت تا در گذشت

سنة هجرية

سنة مسيحية ۱۵۲

اسيا کردن زبک در که شهر نفلس را و آن زن شهر که پنجاه هزار نفر بسوختند و اسحق بن اسمعيل بزک بنی امیه که بخا
 زبک اقدام نموده بود گرفتار شده بحکم بقاء کبر کشته شد و فاطمه اسحق بن ابراهیم خطبه معروف بر او بود از علمای بزک بود
 محمد بن یحیی المحدث مروی (اسپانول) وفات عبدالرحمن دوم حکمران اندلس در ربیع الاخر و او مردی ادیب شاعر و بلند همت
 بود و چهل پنج و چهل و یک سال عمر از عبدالرحمن بماند و بعد از او بوجوب کایت عهد محمد اول پسر او بجای او برقرار کردید و وفات
 حکمرانی عبدالرحمن دوم سی و یکسال رسیده بوده است و در آنسال علی بن ازیب سبزه زنده معروفی که در خدمت خلفای بغداد
 بود بطبع عبدالرحمن با اسپانول آمد طریقه ما لکی کرد و اسپانول رواج داشت در سلطنت محمد اول مبتدا طریقه
 حیات شد (زم) لنون چهارم پاپ چون مینرسیده که اعراب شهر قم را مفتوح سازند حصار کرد یکی از محلات کشید
 آن محله موسوی شهر لنونیم شد افریقا جمعی کثیر از رومیها بقتل مصر ورود نمود و بنای حرف و طیب اسرا گذاشتند
 و نفری با شصت نفر زن اسیر کرده و در سفاین خود جاداده از راه بازگشتند

سنة هجرية

سنة مسيحية ۱۵۳

اسيا امر کردن منوکل بخراب نمودن کلیساها بلکه در بلاد اسلام ساختن بودند و پوشیدن اهل ذمه بر روی و بنا
 دو در امر عیسی و نهی کردن آنها را از سواری است با بو وفات محمد بن عثمان مروزی از مشایخ بخاری و مسلم اسپانول
 نزول عساکر اسلام در حوالی قسطنطنیه

سنة هجرية

سنة مسيحية ۱۵۴

اسيا شورش اهل حضرم عاملان خود ابوالمغبت موسی بن ابراهیم الرافی که او را در عامل خراج را نیز اخراج کردند
 و منوکل غناب بن عذاب بن محمد بن عبد و بنی الانباری را بجای آن دو نفر بخص فرستاد اهل حضرم بکومت عبد و بنی
 شدند و چون محمد مستط سند بر حصصها سخت گرفت تا بچنگ با او برخاستند عزل کردن منوکل بچیی بن اکثم را از قضات
 و ضبط کردن معادل هفتاد و پنج هزار دینار از اموال او و چهل هزار جز سپاه از ارضی و املاک او در بصره و ارضی الفضا
 نمودن جعفر بن عبدالواحد بن جعفر بن سلیمان بن علی و وفات محمد پسر شافعی که مکتی با بو عثمان و فاضل جزیره بود و شافعی
 پیر دیگر داشت که او نیز موسوی محمد بود و در سند و بیست و سی و یک در مصر وفات کرد و وفات ابو ثور ابراهیم بن خالد بن
 ابوالیمان الکلبی فقیه بغدادی و صاحب امام شافعی مروی (اسپانول) محاربه شد بدینا بن اهل فرنک و مسلمان
 اندلر که عد معقولین از دو جانب به بیست هزار نفر رسید و عاقبت از حسن کفایت محمد اول پادشاه اسپانول
 ملین البامند

سنة هجرية

سنة مسيحية ۱۵۵

اسيا شورش حصصها بر عامل خود محمد بن عبد و پسر و همدسته نصاری با آنها و کلک فرستادن منوکل برای محمد بن
 عبد و پسر و غلبه او بر حصصها و هلاک نمودن بسپاه از آنها را و اخراج کردن نصاری را از حصص و خواب نمودن کلیساها
 ایشان را نزول باران شدید در سامرا پیداشدن سناره بسپاه را آسمان که احصا آن ممکن نبود و فوج زلزله
 شدید زد که خرابی بسیار نمود و خلق کثیری را تلف کرد و چهل روز مانند داشت و زبیدن باد شدید از طرف
 ترکستان که از سر حصر بر بنیسا بود و همدان و روی و جلوان رسید و فاش محمد بن جنل بن هلال بن اسد بن ادیس
 منسوب بعد بن عثمان در ربیع الاول افریقا طایفه حیاة و غارت کردن بعضی اماکن مصر را و این

طایفه

طابع پیش ازین با صلح کرده و از منافع معادن طلا و جواهرها که سهمی میسپارند و از بلاد آنها تا خاک اسلام
بگام راه و مسئله بسیار صعب داشت منوکل محمد بن عبدالله فی الجمله آنها را موقوف کرده او بر سلطان بجایه که علی بابا نام داشت
کرده او امان خواست منقبلی ای خراج چندین ساله کرد بدو و با محمد بن عبدالله فی نزد منوکل آمده مصلح شد و بلاد خود باز
گشت

سده هجری ۲۳۲

سده مسیحی ۸۵۵

آسیا زلزله شدید در فوس و فارس و خراسان و چین که در فوس از همه جا شدیدتر بود و تقریباً چهل و پنج هزار
نفر از اهالی فوس هلاک نمود و فانت فاضلی بجزین اکتب می در ریزه در مراجعت از مکه و فانت ابو حصین بجزین منسجم الزا
المحدث اروپا و رومیهای رومیه الصغری از سمیسا ط که شهر است در کنار فرات شروع بقتل و غارت کرده تا
ناحیه این که در نزد یکی فریب فریباس میباشند ناخند و تفریباده هزار نفر را اسیر کردند منوکل بجزین ارمنی را
بنده بر آنها مامون نمود (اسپانول) فتح کردن محمد اول پادشاه اسپانول فلاح و حصون کثیره را که غنایم بسیار
بدست آوردند **افریقا** و فانت ابو العباس محمد بن ابراهیم فریقیه که بعد از او پسرش ابو ابراهیم احمد بن محمد امان

افریقیه یافت

سده هجری ۲۳۳

سده مسیحی ۸۵۲

آسیا مکر کردن منوکل بغرم دمشق از راه موصل در ماه ذی قعدة و فانت ابراهیم بن عباس بن محمد بن صمصام که
مردی ادیب و شاعر بود و حارث بن اسد الحاسبی از اهله **اروپا** و فانت مهین بن عیسی بن سهدان اندلسی از

شهیدان علی بن
شهیدان نور

علای اندلس

سده مسیحی ۲۴۴

سده مسیحی ۸۵۱

آسیا در منوکل در ماه صفر بدشو که غرم اقامت درین شهر داشت در هوای دمشق با مزاج او سازگار نشد
بنام او از گشت مدتها اقامت او در این بلده و ماه و چند روز بود غضب کردن منوکل بر بخشوع طیب و ضبط
اموال او و فرستادن او را بجزین کشتن منوکل ابو یوسف یعقوب بن اسحق معروف با بن سکت عقی بن عوی را بجزین که
پسران منوکل المفضل و الموفق را بر حسین بن علی المبرمج و تفضل نداده هلاک جمعی کثیر از اهله خلاط از شنیدن صدای
مهری در جو و ترول نکرک شده در عراق خراب شدن تبر از زلزله در این سال عبد ارضی و عبد فطر هو و شعاب بن نصار
در کربلا اتفاقاً فانت **اروپا** در ایامیکه منوکل در دمشق بود بقاء کثیر را بجزین رومیهای رومیه الصغری فرستاد او

صلحه را فسخ کرد

سده هجری ۲۴۵

سده مسیحی ۸۵۰

آسیا مکر کردن منوکل بر بنای جعفر پسر در محلی که موسوی به ما حویه بود و آن را منوکل بنز نامیدند و خارج را در
بنای جعفر تیره کرد و قصر بسیار رفیع در آن بناخت و آن موسوی بلو لونه نمود و در حوالی جعفر به امر جعفر هزی کرد و پیش از
اینکه این شهر تمام شود منوکل کشته شد و امر هر مختل ماند و جعفر تیره خراب شد و وقوع زلزله شدید در انطاکیه که زیاد از
نود برج از قلعه انطاکیه خراب شد و خلق کثیر هلاک شدند و کوه افرع از هم پاشیده بد در پار بخت در شام و مکه
از قبر و دیار جزیره و بلاد سرحد تیره زلزله سختی شد و فانت ابو ابراهیم بن عیسی منوفی **اروپا** خروج مجوس از طرفت ربا
و موایشان بر اشبلیه و نزول بجزیره و سوزانیدن مسجد جامع و امر کردن محمد اول پادشاه اسپانول عساکر اسلام

ابو بن بخش

مدفع

بمغرب و بیاتها و فریقا زلزله شد بدو عرب بخار به سخن بر با سپا ابواب اهرام امین بن محمد الاغلبی قاتل و النون

مصر هر ماه ذی قعدة

سند هجری

سند مسیحی

اسیما آمدن منوکل بجعفر ته باران شدید در بغداد که زیاده از بیست روز بیاید و درود پوار کجاء رو پانصد بار بگوید خون از آسمان در یکی از کویچه های بلخ که معروف بکفة الدهاقین است و شکافتن زمین موثد و عمل بن علی خراسی شاعر شیعی مذهب مداح آل رسول عليهم السلام وفات سرتین معاذ الشیبانی والی ری که فاضل و نیکو سپهت بود فتح کردن عمرو بن عبد الله بن اقطع حصار انطاکیه را **رویا** رفتن عمرو بن عبد الله بن اقطع بجنگ روم و چهار ماهه الصغری که هفتاد هزار سوار از آنها آورد و فریباس دانه پجهر از نفر را دستگیر نمود

سند هجری

سند مسیحی

اسیما کشته شدن منوکل بمواعده منصر شهر او با قواد لشکر و وصیف در شب چهار شب چهارم شوال و سبقتل او این بود که با منصر شهر خود بدر ساری کرده او را از ولایت خلع نمود و بهنج بن خاقان که دیوان رسایل او را بود امر کرد که باصفهان و بلاد جیل نویسد که املاک و مزارع و صیغه که یکی از رؤسای لشکر بود صیغه کند خلاصه در شب فرورد در حالتکه متوکل مست بود بر او داخل شدند و او را و فتح بن خاقان را و چند نفر از خواص خاتم خلفه بکشید مدت خلافت متوکل چهارده سال و سه ماه و سه روز عمرش تقریباً چهل سال بود صبح چهارشنبه که در شب آن منوکل کشته شد مردم و بران سبنا در حضرت **جعفر** جمع شده با منصر با جعفر محمد بن جعفر المتوکل که بازده حلیفه عباسی است بیعت کردند نیز بطایب معز و مؤید فرستاده ایشان را حاضر ساخته آنها هم با منصر بیعت کردند و قاتل ابو عثمان بکر بن محمد المازی بخوی از علمای بزرگ **خواص** و **غلبه** عساکر محمد اول پادشاه اسپانیول بر شهر **شلون** که از بلاد فرنگ است و کرنی دو برج از برجهای این بلاد کشتن بسپاس و در یافتن غنیمت و **افریقا** وفات عباس امیر صقلیه و لا یسعد الله بن عباس در صقلیه و رود جفاجه بن سفیان از افریقیه بصقلیه و فوجاناد در این بریره و هلاک شدن او بدینست که ار لشکر بان خود و بر با سخن مردم محمد بن خفاجه را با مارن صقلیه و امض کردن محمد بن احمد بن اغلب حکمران قیوان امارت بان خفاجه طوا و امیر صقلیه بودند و رسند و دست پنجا و هفت خواجگهای او را بکشند

سند هجری

سند مسیحی

اسیما وفات منصر در سامرا در روز یکشنبه پنجم ربیع الاول که مدت خلافتش ششماه بود و روز وفاتش عمرش بیست و پنج سال و ششماه بود منصر مردم را امر فرمود حضرت سید الشهداء علیه السلام نمود و علی بن ابی طالب که در عهد منوکل خائف بودند این کرد عقل و انصاف کامله داشت اتفاق بزرگان از قبیل بقاء کبیر و بقاء جعفر و رؤسای آن بر خلاف السعین احمد بن محمد المعتمد بجبهه اینکه با و چون کشتن منوکل میل بخلافتن پسران او نداشتند و او درازده حلیفه عباسی و در بنو قریه بنی هاشم و هشت ساله و مکنه بابو العباس بود رسیدن خبر وفات طاهر بن عبد الله بن طاهر والی خراسان به السعین که محمد بن طاهر پسر او را السعین و لا پسر خراسان داد وفات بقاء کبیر که السعین شهرش موسی بن یحیی بجای او برقرار کرد حرکت کرد یعقوب بن ایش غار از سمجستان بجانب هرات و وفات محمد بن هلاء همدانی از مشایخ بخاری و مسلم و لا پسر محمد بن عبد الله بن طاهر در عراق که حکومت حرمین و فراسباشی کردی خلیفه معاونه امروان نیز او را شد **رویا**

منصرفان از آنکه وفات کند و صفتی که را بخار بر روی پشاد و پشه القصری فرستاد

سنه هجری ۲۴۹

سنه مسیحی ۸۶۳

ایشان شکر بگذاشتند شکر معروف بشاکرتی و عامه نامش و بغداد بر اثر آن سبب ابتلا بکذا و آن سبب بود که
 و هر خلیفه را که میخواهند بکشند هر کس را میخواهند بجلافتن اختیار میکردند و مسلمانان داخل در این کار نبودند
 برآشیدن فتی در سامرا که عوام منشأ آن شده در زندانها و خلیفه را باز کردند و مجوسین را درها نمودند از آن سبب
 فتی تمام نموده جمعی را کشتند تا بهره خداد منطفی شده کشته شدن انامش که بدست سوالی و غارت کردید و خانه او بسبب
 المستعین مادر خود را و انامش را و شاهک خادم را بیونش اموال مطلق العنان کرده و سایرین ممنوع بر دنده بازگشته
 شدن انامش المستعین با صالح عبدالله بن یزید را اخلاف هزار داد و وقوع زلزله شدید در آن که خزانه پادشاه را و جمع
 کثیری را هلاک کرده و بقیه مردم بخارج بلاد فرار نمودند نیز وقوع زلزله در فرورین و بر نیز وفات علی بن ابراهیم شاعر امری با
 در بنیال در میان رومیها و مسلمانان در مرجع الاسف جنک مخفی روی داد و سردار عساکر اسلام عمر بن عبدالله بن اقطع که
 از شجاعان بود درین جنک کشته شد و مسلمانان مهزوم شدند و جماعتی از ایشان کشته و رومیها غنور جزیره را غارت
 کردند **افریقا** وفات ابراهیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن الاغلب حکمران افریقیه و بر فرار شدن زباده الله بن محمد مکتی
 بابو محمد بن ابراهیم بجای او

سنه هجری

سنه مسیحی ۸۶۴

ایشان ظهور یحیی بن عمر بن محمد بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام که مکتی بابو الحسن بود
 کوفه و اجتماع خلق کثیری را و اسبلا بافتن بر کوفه و هتیه دیدن محمد بن عبدالله بن طاهر فنان با محیی را و کشته شدن
 یحیی در جنک و مهزوم شدن اصحاب او و کشته شدن بسیار و فرستادن محمد بن عبدالله بن طاهر به یحیی را برای
 المستعین ظهور حسن بن زید بن محمد بن اسمعیل بن زید بن حسن بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام طبرستان که جمعی
 کثیر دورا جمع شده و استقلالی در این مملکت برسانند و موسو بداعی الحوق کردید و مجالس بسیار با قیامند داد
 سنه و هشت هشتاد و هفت کشته شد و بعد از او پسرش الناصر الحسن بن علی بجای او اسفرا بافتن شورش
 حصص بر فضل بن فارس عامل جو که برادر ما را پار بود و کشتن او و فرستادن المستعین موسی بن بقاء کبیر را بجنک آنها و
 مهزوم شدن هتیهها و کشته شدن جماعتی کثیر و مفتوح شدن حمص بسیار از اماکن او را سوزاندن و وفات خلیع
 شاعر که اسم او حسین بن ضحاک بود **افریقا** وفات زباده الله بن محمد بن ابراهیم بن الاغلب افریقیه که هجده ماه اطارت
 کرده بود و بر فرار شدن پسر برادر او ابو عبدالله محمد بن احمد بجای او

سنه هجری

سنه مسیحی ۸۶۵

ایشان اتفاق کردن بقاء صغیر و صیف و کشتن باغ نرکی و شورش اترک بدین واسطه و محاصره نمودن المستعین
 و بعله و و صیف را در قشامرا و کشتن المستعین بجای او و صیف در فایقی فرار کردن آنها بغداد با شورش
 اترک از المستعین بیرون آوردن المعز بالله را از محبس و بعت نمودن با او و منصرف شدن المعز و مادر او
 اموالی را که در سامرا بود و دادن آنها را بنفشون و فرستادن بجاه هزار نفر عساکر ترک بسرداری برادر خود
 الموفق طاهر بن متوکل بغداد بجنک المستعین و محصن المستعین بغداد و ماندن المعز بسامرا و المستعین
 بغداد که جنکهای سخت در میان آنها بود تا ارکان دولت در بغداد بخلع المستعین اتفاق کردند مقاله شدید

محمد بن

محمد بن طاهر یا حسن بن زید و منزه و بشدن حسن ظهور طایفه در کوفه و در مکه که نسبت آنها بحضرت علی
ابطال برسد و شعیب غلبه و ماکول در مکه بواسطه اغتشاشی که در این نواحی بوجود و کشته شدن
هزار و صد نفر از حجاج ظهور دولت بنی اخیضر از شرفاء حجاز و قاتل مری سقطی را هدیه و بنصوف نام و پایا
ر روس) و در بیک (روریک) نام که از سواحل بالئیک با ایل خود بشهر توگر نام آمد بود و بر طایفه اسلا و غلبه
کرده ایل خود طایفه اسلا و مغلوب داروس نامید و ابتدای تشکیل ملت روس درین سده شد (اسیای
غلبه عساکر مجتاول بر فرنگها

۱۶۶ مسیحی

شماره ۲۵

اسیای خلافت المغز بالله بن موکل سیزدهمین خلیفه عباسی که بعد از خلع المستعین در چهارم محرم در بغداد خطبه
باسم المغز خواندند و از جمیع اهل بغداد بیعتی او گرفتند و المستعین را بواسطه بریدن و المغز امر قبیل المستعین نمود
و با حمد بن طولون نوشت که کار او را تمام کند اما حد از کشتن المستعین امان نمود و او را بقا طول برد و او را حاجب یعنی
سعد بن صالح تسلیم کرد و سعید او را زدن امر دو سر او را برای المغز فرستاد مدت خلافت المستعین نادر خلع
اوسه سال و نه ماه و کسری بود داخل شدن رمله در بیعت عیسی بن شیخ بن سبیلک از اوله دستاس بن مرز بن ذهل شیبلی
که در فتنه عراق شیخ مذکور بر مشق و اعمال آن غلبه کرده و اموالی را که از شام برای خلیفه میبردند صاحب غنم و کار
او بالا گرفته بود و وفات محمد بن بشار و محمد بن المنزه الثمنی که هر دو بصکر و از مشایخ بخاری و مسلم بودند شیوع فتنه
و محظوظ و غلام بغداد که سبب آن جنگ بود همان لشکر بغداد و اصحاب محمد بن عبدالله بن طاهر بجهت اخذ جیره و مواجب
در گرفت خلع کردن المغز برادر خود المؤید را از ولا پنهان نمود و مردن او در ماه رجب کاتب عبدالله بن ابی دلف
العجلی در جبل از جانب و صیف ناخن بستان حکمران دیلم با نفاق عیسی بن احمد علوی و حسن بن احمد کوکبی بزرگی و
قتل و غارتنا بتولایت و گرفتن عبدالله بن عزیر حاکم و مصالحه کردن اهل دی با آنها بدادن دو هزار درهم که
آنها باز کشتند و ابن عزیر ببری مراجعت کرد

۱۶۷ مسیحی

شماره ۲۶

اسیای عساکر المغز جیره و مقرری چهار ماهه از و صیف خواستند جواب داد آنها طغیان کرده بزرگ و صیف
و او را بکشتند خلیفه اعمال و مشاغل او را بعهده بقاء شراب موکول نمود و وفات محمد بن عبدالله بن طاهر بن الحسن بن و
برقرار نمودن المغز برادش عبدالله را بجای او انتراع نمودن عساکر خلیفه کرج را از دست عبدالله بن ابی دلف ملک
و فتح یعقوب صفاری هرات و بوشیخ را و ظهور افتدار او و خائف شدن والی خراسان و غیره از او و ابتدای دولت
صفاریه امیر پیا کشته شدن امپراطور مپشل (میخائیل) بلنسی بزیل نامی منصوب بکردیدن بزیل با امپراطور
قسطنطین (اسپانول) ده ساله محظوظ و غلام خشکسالی در اسپانول و مغرب سید ضعف مسلمانان شد

۱۶۸ مسیحی

شماره ۲۷

اسیای کشته شدن بقاء شراب از ملازمان خلیفه یا خلیفه ارتحال حضرت امام علی نقی علیه السلام در ماجادیه
که تولد آن حضرت در سال دویست و چهارده باد و بیست و سه سزده بود چنانکه ولادت حضرت امام حسن عسکری علیهما
در سنه دویست و سی و در حال آن بزرگوار در دویست و شصت و چهارم الاولی پاربع الاول بوده و ولادت حضرت
صاحب الامر علی الله تعالی فرجه در دویست و پنجاه و پنج و ابتدای غیبت صغری بر ایل غالب مورخین در دویست و